



«شکل گیری حکومت های خودکامه بدون حضور روشنفکران کوتاه بین و حقیر ممکن نیست، این روشنفکران در عمل به رژیم می خدمت می کنند که مدعی مبارزه با آنند!»

– هانا آرنت، اندیشمند برجسته آلمانی



دیروز در لابلای نوشتارها در فیسبوک به جمله ای برخورددم که در آن "ملل ایرانی غیر فارس" [۱] قید شده بود! نخست با خود گفتم بی گمان که یک اشتباه لپی بوده، ولی پس از سر زدن به تارنگار شخصی نویسنده که حشمت الله طبرزدی است، در کمال شگفتی متوجه شدم که ایشان مبتلا به همانگونه ویروس ذهنی است که هویت سازان قومی و ملیت سازان بیگانه بدان مبتلایند و بکاربری اینگونه واژگان ایرانستیزانه از سوی او مساله ی تازه ای نبوده و در گذشته هم بارها ادعا کرده است که هم میهنان آذری زبان ما "یکی از ملت های ایران" بشمار میروند! [۲]

"ملل ایران"، "ملت های غیر فارس" و "حکام فارس" و امثالهم، جزو واژگان های سیاسی مورد علاقه مهره های گمراه و ایرانفروشی (مزدوران بیگانه) است که در پی تجزیه و تکه پاره ساختن ایران میباشند. ولی غم انگیز و مهمتر ناامیدکننده این است که نویسنده این جملات، یک کنشگر سیاسی و بنامی است که سالها هم در مخوفگاه های رژیم استبداد مذهبی بسر برده و مورد احترام (البته تا پیش از خواندن آن جملات) است! اکنون بایستی پرسید، که بکاربری این واژگان ایرانستیزانه از سوی یک کنشگر سیاسی، که خود را با نظام و دیگر دشمنان ایران که در پی مرزبندی و اختلاف سازی در درون کشور و برای پیاسازی یک جنگ درونی تلاش می کنند، همسو ساخته، آیا مغرضانه و مزورانه در پی "ملت سازی" در زیر پوش دفاع از حقوق بشر فعالیت می کند بوده است، یا از روی بیخردی و بیسوادی؟! سپس بیاد آوردم که ایشان از دوستان رضا پرچی زاده [۳] و دارای خو و سرشتی باصطلاح "ملی-مذهبی" [۴] و در گذشته نیز از سینه چاکان و فدائیان رژیم استبداد بوده است - تا بدان جایی که لقب "امام" را هم او به السید علی خامنه ای اعطا نموده بود (همچون شیخ حسن روحانی لقب "امام" را به خمینی داد!)



بهر روی، بگفته انگلیسی ها، همانگونه که "پلنگ نمی تواند خال هایش را تغییر دهد"، اینگونه اشخاص هم چون در درون نظام رشد کرده و با ملایان همکاری داشته اند و سرشت ایرانستیزی در ذات و وجودشان نهادینه شده و همچون رژیمی در آن رشد کرده اند غیر قابل اصلاحند و این ادعاهای موهوم ملی گرایی و ایراندوستی، در حقیقت گونه ای خودفریبی و گذاشتن سرپوشی بر ذات ذلیل مکتبیشان میباشد! البته زندانی سیاسی بودن او هم به گمان زیاد از روی لکنت زبان بودنش دارد، زیرا "در کشورهای که استبداد حاکم است، هر کسی می تواند یک زندان سیاسی بشمار رود! تنها کافیت کسی که لکنت زبان دارد، بجای حرف 'ت' (t) بگوید 'ث' (th)، زیرا استبداد بردباری شنیدن حرف 'ث' را ندارد!" بدون تردید، گام بعدی او دمیدن در بوق فدرالسیم یا "تجزیه خزنده" [۵] ایران خواهد بود!

در پایان، هر کسی که "ملت بزرگ ایران" را "ملل ایرانی" یا "ملت های ایران" بخواند، یک ایرانستیز خائن و وطنفروش است و افکار ضدایرانش محکوم - هر کس که می خواهد باشد.

شاپور سورنپهلو

روز اورمزدودی ما از ماه آذر سال ۳۷۵۴ بهدینی

۱۵ دسامبر ۲۰۱۶ ترسایی

بن مایه ها و پانوشته ها

۱ - <https://www.facebook.com/Tabarzadi.me/posts/1358782937499651>

۲ - <https://tabarzadi.com/2015/11>

۳ - به نوشتار این نگارنده تحت عنوان "پدیده □ نوظهوری بنام رضا پرچی زاده: از آخوندطلب چپ تا جمهورطلب فالانژ!" مراجعه شود:

https://www.suren-pahlav.com/pe/index.php?option=com_content&view=article&catid=1:political-article&id=154:fifth-column-reza-parchizadeh

۴ - مشکلی که من همیشه با اینگونه اشخاص باصطلاح "ملی-مذهبی" داشته و دارم اینست که کسی نمی تواند هم مذهبی یا مسلمان دو آتشه باشد و هم ملی گرا و عاشق ایران! این عنوان آنچنان با خود در تضاد و بدان اندازه ای مسخره و مضحکانه است که قصابی اعلام کند، "گوشت خو-ک-ذبیح حلال" می فروشد؛ چنین اشخاصی نمی توانند، هم برای عرب و کربلا اشک ریزان سینه زنی کنند و هم برای کشته شدگان نیاکانمان در قادسیه و نهاوند، که بدست همان اعراب کربلایی قصابی شده بودند، زانوی غم بغل کرده و یاد و روانشان را گرامی بدارند!

۵ - سورنپهلو، شاپور، "تجزیه خزنده": فدرالیسم، سرپوشی برای طرح تجزیه ایران -
https://www.suren-pahlav.com/pe/index.php?option=com_content&view=article&catid=1:political-article&id=150:federalism-or-the-balkanization-plan-for-iran



#419ab3

